

اثر محافظه کاری غیر شرطی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری

اله کرم صالحی

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران.
A.k.salehi@iaumis.ac.ir

شاهرخ بزرگمهریان

گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران.
Sharokh2076@yahoo.com

برزو صالحی

گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز آموزش بین المللی خلیج فارس، دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، خرمشهر، ایران.
Borzoo1355@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۴

چکیده

این مقاله به بررسی اثر محافظه کاری غیر شرطی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. روش تحقیق کتابخانه ای و همبستگی با استفاده از رگرسیون چندمتغیره می باشد. نمونه تحقیق شامل ۱۰۰۰ مشاهده در دوره زمانی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ است. متغیر های مستقل پژوهش شامل سود خالص، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، محافظه کاری غیر شرطی، نسبت بدهی، زیان دوره و اندازه شرکت است. متغیر وابسته ارزش بازار سهام می باشد. نتایج تحقیق نشان می دهد که محافظه کاری در دوره تحقیق افزایش یافته است و افزایش محافظه کاری موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری شده است.

واژه های کلیدی: محافظه کاری شرطی، محافظه کاری غیر شرطی، مربوط بودن اطلاعات حسابداری.

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاران (فعلی و بالقوه) جهت تصمیم‌گیری در مورد خرید، نگهداری یا فروش سهام، بنابراین روش سنجش و اندازه‌گیری در حسابداری که دارای بالاترین توان پیش‌بینی رویدادهای اقتصادی باشد به عنوان شاخص «مربوط» مد نظر قرار می‌گیرد. لذا نظام حسابداری باید به نحوی طراحی شود که اطلاعات مربوط را برای مدل‌های منطقی تصمیم‌گیری فراهم و ارائه کند (رهنمای رودپشتی و صالحی، ۱۳۹۳).

تحقیقات موجود از قبیل فرانکیس و اسکیر^۱ (۱۹۹۹)، کالینز^۲ و دیگران (۱۹۹۷) و لو و زاروین^۳ (۱۹۹۹) پیرامون مربوط بودن ارزش، بطور مشابه نشان می‌دهد که مربوط بودن سود در طول زمان کاهش یافته است و در عین حال مربوط بودن ارزش دفتری افزایش یافته است. این تحقیقات مدعی هستند که محافظه‌کاری در حسابداری یکی از دلایل کاهش در مربوط بودن ارزش دفتری است. نتایج برخی دیگر از تحقیقات مانند بروان^۴ و دیگران (۱۹۹۹) و کر^۵ و دیگران (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که مربوط بودن ارزش سود و ارزش دفتری بخصوص در دوره‌های اخیر بطور همزمان کاهش یافته است.

اخیراً در تحقیقات حسابداری مفهوم محافظه‌کاری به دو شکل محافظه‌کاری شرطی^۶ و غیرشرطی^۷ مطرح شده است [Ball and Shivakumar, 2005] و Beaver and Ryan, 2005]. محافظه‌کاری شرطی به دیدگاهی اشاره دارد که اخبار بد را سریعتر از اخبار خوب منعکس می‌نماید بدین معنی که ارزش دفتری خالص داراییها در شرایطی نامساعد کاهش می‌یابد، اما در شرایط مساعد افزایش نمی‌یابد. استفاده از روش اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار برای ارزشیابی موجودی کالا و سرمایه‌گذارهای کوتاه مدت و کاهش ارزش داراییهای بلند مدت و نامشهود نمونه‌هایی از محافظه‌کاری شرطی هستند. به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری سود وزیانی (Basu, 1997) (Ball et al., 2000) «، محافظه‌کاری پس رویدادی»^۸ (Pope & Walker, 2004) Richardson & Tinaikar, 2003) محافظه‌کاری وابسته به اخبار^۹ (Chandra et al. 2004) نیز می‌گویند.

محافظه‌کاری غیرشرطی (مستقل از اخبار خوب و بد) بر جنبه‌هایی از فرآیند حسابداری تاکید دارد که منجر به شناخت اولیه خالص داراییها به مبلغی کمتر از ارزش بازار آنها در طول عمرشان می‌شود. به عبارت دیگر این نوع محافظه‌کاری از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را به گونه‌ای مستقل از اخبار اقتصادی کاهش می‌دهند. شناسایی بدون درنگ مخارج تحقیق و توسعه یا مخارج تبلیغات به عنوان هزینه و نه به عنوان دارایی، استفاده از نرخ استهلاک تسریعی و حسابداری بهای تمام شده تاریخی برای

محافظه‌کاری غیرشرطی به شناخت زودتر زیانها صرفنظر از اینکه اخبار خوب یا بد باشد در ارتباط است (Qiang, 2007) که اخیراً مورد توجه محققین مالی قرار گرفته است [Basu, Peek, 2005, Jiraporn et al. 2008, Cano- 2005, Coppens & Rodríguez, 2010, Iatridis, 2011, Ahmed & Duellman, 2011] همچنین تحقیقات زیادی در باره مربوط بودن اطلاعات حسابداری انجام شده است در این تحقیقات مربوط بودن به عنوان "توانایی ارقام حسابداری برای بدست آوردن یا خلاصه کردن اطلاعاتی است که روی ارزش شرکت تاثیر می‌گذارد" تعریف شده است (Hung, 2001). فلیپ و رافورنیر (۲۰۱۰) بیان نمودند هنگامی که اطلاعات حسابداری با قیمت‌های بازار همبستگی بیشتری داشته باشند اصطلاحاً گفته می‌شود که مربوط بودن ارزش آنها بیشتر است (Filip and Raffournier, 2010). در بازارهای کارای سرمایه انتظار می‌رود کلیه اطلاعات موجود، به سرعت در قیمت اوراق بهادار منعکس شود. در صورتی که ورود اطلاعات حسابداری به بازار باعث تغییرات قیمت سهام شود، این اطلاعات به ارزش سهام مربوط بوده و دارای محتوای اطلاعاتی است. محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری به این معنی است که گزارشهای مالی، اطلاعات جدید و مناسبی را به بازار منتقل می‌کنند و باعث تغییر در انتظارات سرمایه‌گذاران می‌شوند که به تبع آن سرمایه‌گذاران به این اطلاعات واکنش نشان می‌دهند. واکنش سرمایه‌گذاران به انتشار این اطلاعات نشانگر اثر اطلاعات بر تصمیمات آنها است؛ یعنی اطلاعات حسابداری محتوای اطلاعاتی دارد (Gary et al., 1995).

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر محافظه‌کاری غیرشرطی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری است. نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران، تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران برای استفاده از اطلاعات حسابداری در ارزیابی بهتر اوراق بهادار کمک نماید. همچنین اگر فرضیه پژوهش اثبات گردد، نتایج پژوهش می‌تواند به تحلیل‌گران مالی کمک کند تا با استفاده از محافظه‌کاری غیرشرطی، رویکرد بهتری را برای افزایش مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری اتخاذ نمایند.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مبانی نظری این پژوهش ریشه در مفهوم سودمندی برای تصمیم‌گیری دارد. رویکرد سودمندی تصمیمات که هدف اصلی حسابداری می‌باشد به فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابداری با تکیه بر سودمندی و مربوط بودن داده‌های حسابداری کمک می‌کند. مانند کمک به

که محافظه‌کاری در بازه زمانی مورد بررسی، روند افزایشی داشته است، در حالی که مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام یا به تعبیری محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری، روند کاهشی داشته است با این وجود آن‌ها نتوانستند شواهد کافی ارائه نمایند که این کاهش و افزایش را به هم مرتبط سازد.

بروان و همکاران (۲۰۰۶)، آن‌ها به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در ۲۰ کشور پرداختند. آن‌ها دریافتند در کشورهایی که از اقلام تعهدی بالایی استفاده می‌کنند، بین سطوح محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

چنگ و لیو^{۱۴} (۲۰۰۶) با استفاده از مجموع اقلام تعهدی، سرمایه در گردش و اقلام تعهدی غیرعملیاتی به عنوان شاخص های محافظه‌کاری حسابداری، مربوط بودن ارزش سود را در شرکت‌های محافظه‌کار و غیرمحافظه‌کار بررسی نمودند. آن‌ها دریافتند بدلیل اینکه شرکت‌های محافظه‌کار نسبت به شرکت‌های غیرمحافظه‌کار دارای اقلام تعهدی با کیفیت پایین و هموارسازی سود کم هستند، در نتیجه دارای ضریب واکنش سود کمتری می‌باشند. آن‌ها همچنین یافتند که بازار نسبت به شرکت‌های دارای محافظه‌کاری حسابداری نسبتاً بالا، واکنش منفی بیشتری نشان می‌دهد.

چان^{۱۵} و دیگران (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری غیرشرطی به پایداری و توان پیش بینی بیشتر سودهای جاری و آینده و در نتیجه کیفیت بهتر اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه کمتری منجر خواهد شد. اما محافظه‌کاری شرطی با کیفیت ضعیفتر اطلاعات حسابداری رابطه دارد و اعمال میزان بیشتری از محافظه‌کاری شرطی به هزینه سرمایه بیشتر منجر خواهد شد.

اسماعیل و البلوک^{۱۶} (۲۰۱۱) طی پژوهشی تاثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود و قیمت بازار سهام در کشور مصر را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری شرطی اثر منفی روی کیفیت سود و قیمت سهام شرکت‌های مصری دارد و محافظه‌کاری غیرشرطی روی کیفیت سود تاثیری ندارد اما با قیمت سهام رابطه منفی دارد.

لارا^{۱۷} و دیگران (۲۰۰۹) نشان دادند که محافظه‌کاری غیرشرطی ناشی از منظور نمودن مخارج تحقیق و توسعه به هزینه دوره جاری، در آینده از محافظه‌کاری شرطی بیشتر پیشی خواهد جست. زیرا این نوع محافظه‌کاری ممکن است در آینده نسبت به اخبار بد مبنی بر زیان ناشی از کاهش ارزش

پروژه‌هایی که ارزش فعلی جریان‌های نقدی مثبت دارند، نمونه‌هایی از محافظه‌کاری غیرشرطی است. به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری ترازنامه‌ای، محافظه‌کاری پیش‌رویدادی^{۱۸} یا محافظه‌کاری مستقل از اخبار^{۱۹} نیز می‌گویند.

تحقیقات نشان داده‌اند که محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است بدلیل مقاصد مالیاتی، دعاوی حقوقی و منافع شخصی مدیران افزایش یابد (Cano-Rodríguez, 2010) که در اینصورت پیامد آن، کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری خواهد بود (Ball et al., 2008). برای مثال محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است به موجب آزادی اختیار مدیران جهت استفاده از روشهای گوناگون استهلاک یا ارزشیابی موجودیها به منظور رسیدن به اهداف فرصت طلبانه مدیران صورت گرفته باشد. بنابراین محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است کیفیت اطلاعات حسابداری را تحریف و به تصمیمات اقتصادی ناکارآمد منجر شود (Ball and Shivakumar, 2005).

شرکت‌هایی که اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین را افشا می‌کنند، به منظور ارتقا اهداف مدیریتی، بیشتر روش‌های محافظه‌کاری غیرشرطی را بکار می‌برند. برای مثال، در حالت زیان و کاهش قیمت سهام، مدیران ممکن است به منظور تعدیل سودهای آتی با استفاده از ذخایر تمایل به کاهش ارزش دارایی‌ها داشته باشند (Jiraporn et al., 2008). به همین ترتیب، در حالت عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت‌ها ممکن است از اقلام تعهدی اختیاری به منظور کاهش نوسانات سود و تعهدات مالیاتی یا افزایش پاداش مدیریت استفاده نمایند. همچنین، محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است به منظور کاهش ریسک دعاوی حقوقی ترجیح داده شود و شرایط بهتری از تامین مالی بخصوص هنگامی که شرکت‌ها دچار بحران مالی هستند فراهم نماید (Coppens & Peek, 2005).

کوزندیس^{۱۹} و همکاران (۲۰۰۹) تأثیر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را بر روی مربوط بودن سهام، در کشور یونان مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که نمی‌توان یک رابطه خطی میان این دو متغیر برقرار نمود. یعنی با افزایش سطح محافظه‌کاری، میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام ابتدا افزایش می‌یابد و سپس دچار کاهش می‌شود و بر همین اساس بود که آن‌ها نتوانستند ارتباط معناداری را میان این دو متغیر مستند نمایند و فقط تأکید کردند که به کارگیری سطح مناسب و معقولی از محافظه‌کاری می‌تواند مفید واقع شود.

بالاچاندوران و موهانرام^{۲۰} (۲۰۱۱) ارتباط کاهش میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام را با افزایش سطح محافظه‌کاری، در ایالات متحده بررسی نمودند و دریافتند

نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری بر ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات رابطه ای مستقیم و با ویژگی مربوط بودن رابطه‌ای معکوس دارد. همچنین نتایج تحقیق بر وجود رابطه ای معکوس میان مربوط بودن و قابلیت اتکای رابطه‌ای مستقیم دارد. اما نسبت اهرمی که شاخصی از ریسک مالی شرکت را نشان می‌دهد، با قابلیت اتکای رابطه ای مثبت و با مربوط بودن رابطه ای منفی دارد نتایج مزبور، بیانگر آن است که محافظه‌کاری حسابداری نمی‌تواند میان قابلیت اتکای و مربوط بودن موازنه ایجاد نماید.

خدمای پور و محرومی (۱۳۹۰)، آن‌ها در تحقیق خود به بررسی وجود محافظه‌کاری و تاثیر آن بر رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج بیانگر این است که در شرکت‌های مورد بررسی محافظه‌کاری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد زمانی که از شرکت‌های دارای محافظه‌کاری پایین به طرف شرکت‌های دارای محافظه‌کاری متوسط حرکت می‌کنیم، رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری افزایش پیدا می‌کند، هر چند این افزایش چندان محسوس نیست، ولی هنگامی که از شرکت‌های دارای محافظه‌کاری متوسط به سوی شرکت‌های دارای محافظه‌کاری بالا می‌رویم رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. در مجموع، نمی‌توان یک رابطه مشخص بین میزان محافظه‌کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری پیدا کرد.

پورحیدری و غفارلو (۱۳۹۱)، آن‌ها در تحقیق خود به بررسی اثر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط حسابداری بر هزینه حقوق مالکانه پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که ارتباط بین محافظه‌کاری مشروط و هزینه سرمایه شرکت، معکوس و معنادار هست. به عبارت دیگر، در صورتی که اخبار و علائم بد بیشتر و به موقع تر از اخبار خوب در سود حسابداری منعکس شوند، هزینه سرمایه شرکت افزایش پیدا می‌کند، اما هیچ ارتباط مشخص و معناداری بین محافظه‌کاری غیرمشروط و هزینه سرمایه شرکت مشاهده نشد.

ستایش و کریمی پور (۱۳۹۲)، آن‌ها در تحقیق خود به بررسی تاثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط حسابداری بر ریسک درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط حسابداری توان کاهش ریسک درماندگی مالی شرکت‌های ایرانی را دارد اما این ارتباط از لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین، شناسایی سریع تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب (محافظه‌کاری مشروط) و اعمال رویه‌هایی که ذاتاً محافظه‌کارانه است (محافظه‌کاری غیرمشروط) تغییرات

دارایی واکنشی نشان ندهد. آن‌ها دریافتند که محافظه‌کاری شرطی معمولاً به موقع بودن سود حسابداری را تعدیل می‌کند اما بطور صریح اثرات متقابل این دو شکل محافظه‌کاری را بررسی نمی‌کند.

فونیذ^{۱۸} (۲۰۱۳)، اظهار می‌دارد که بکارگیری محافظه‌کاری غیرمشروط به اختلاف نظر فاحش بین ارزش بازار و ارزش دفتری واحد تجاری می‌شود. زیرا، با اتخاذ رویکرد محافظه‌کاری غیرمشروط مخارجی از قبیل تحقیق و توسعه و تبلیغات، به حساب هزینه منتقل می‌شوند ولی بازار به اینگونه مخارج ارزش اختصاص می‌دهد. آن‌ها در ادامه بیان می‌کنند که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری معیار مناسبی برای سنجش محافظه‌کاری غیرمشروط می‌باشد.

واتس^{۱۹} (۲۰۱۴)، در تحقیق خود به بررسی مالیات و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آن‌ها بسیار بزرگتر از درآمد مشمول مالیات آن‌هاست، محافظه‌کاری بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند، اما در مورد شرکت‌هایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آن‌ها بسیار کوچکتر از درآمد مشمول مالیات آن‌هاست، نمی‌توان گفت که محافظه‌کاری کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. علاوه بر این، مالیات نه تنها مربوط بودن اطلاعات حسابداری را که شرکت‌ها ارائه می‌کنند کاهش نمی‌دهد، بلکه باعث افزایش مربوط بودن اطلاعات نیز می‌گردد. بوراسی^{۲۰} (۲۰۱۴)، بیان می‌کند که محافظه‌کاری شرطی، هزینه بدهی را بیشتر از محافظه‌کاری غیرشرطی کاهش می‌دهد. او در ادامه بیان می‌کند که بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی ارتباط ضعیف و معکوسی برقرار است.

کردستانی و ایرانشاهی (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر محافظه‌کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام در شرکت‌های با درجه محافظه‌کاری بالا و پایین، تفاوت معناداری با هم ندارد. به عبارت دیگر درجه محافظه‌کاری شرکت‌ها، تأثیری بر محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری آن‌ها ندارد. آزمون‌های اضافی این نتایج را تا حدودی تعدیل کرد و شواهدی فراهم نمود که نشان می‌دهد شرکت‌های با درجه محافظه‌کاری متوسط و بالا، اطلاعات حسابداری نسبتاً مربوط تری به ارزش سهام ارائه می‌کنند.

بنی مهد و افروزی (۱۳۸۹)، در تحقیقی اثر محافظه‌کاری حسابداری را بر ویژگی‌های مربوط بودن و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق

بورس اوراق بهادار تهران اخذ شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق و آزمون فرضیات آن توسط نرم افزارهای Excel و SPSS انجام شده است. به این ترتیب که اطلاعات فراهم شده توسط پایگاه‌های اطلاعاتی ابتدا در نرم افزار Excel دسته بندی و مرتب سازی شده است و سپس به نرم افزار SPSS منتقل گردیده تا آزمونهای آماری مورد نظر بر روی آن‌ها انجام شود. دانش آماری که در تحلیل آماری این تحقیق استفاده می شود، شامل آمار توصیفی جهت توصیف و ارائه مشخصات آماری متغیرها و پارامترها و آمار استنباطی شامل تخمین و برآورد ضرایب می باشد.

۴- متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آن

در این تحقیق ارزش بازار سهام شرکت در پایان دوره مالی به عنوان متغیر وابسته و سود خالص، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، محافظه کاری غیرشرطی، اندازه شرکت، زبان دوره و نسبت بدهی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می شوند. در ادامه چگونگی اندازه گیری این متغیرها توضیح داده می شود:

سودخالص: عبارت است از سود خالص بعد از مالیات که از صورت سود و زیان شرکت قابل استخراج است. برای همگن کردن داده ها در سطح همه شرکتها این نسبت به جمع دارایی ها در پایان دوره تقسیم شده است.

ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام: عبارت است از تفاوت میان جمع دارایی ها و بدهی که از ترازنامه شرکت قابل استخراج است. برای همگن کردن داده ها در سطح همه شرکتها این نسبت به جمع دارایی ها در پایان دوره تقسیم شده است.

محافظه کاری غیرشرطی یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع تر هزینه، ارزیابی پائین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می شود. در پژوهش حاضر برای اندازه گیری شاخص محافظه کاری حسابداری، از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده شده است. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می شود:

$$(-1) \times \frac{\text{اقلام تعهدی عملیاتی}}{\text{جمع دارایی ها در اول دوره}} = \text{شاخص محافظه کاری}$$

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می آید. به عقیده گیولی و هاین (۲۰۰۰) رشد اقلام تعهدی می تواند شاخصی از

چشم‌گیر و قابل ارزیابی در میزان ریسک درماندگی مالی شرکتها ایجاد نکرده است.

مشایخی و شهبازی (۱۳۹۳)، آن‌ها در تحقیق خود به بررسی رابطه نسبت بدهی، اندازه و هزینه سرمایه شرکت با محافظه کاری مشروط و غیرمشروط پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین نسبت بدهی و محافظه کاری در هر دو نوع مشروط و غیرمشروط رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که موید این فرضیه است که قراردادهای بدهی یکی از مهمترین منابع تقاضا برای محافظه کاری به شمار می روند. رابطه معنادار منفی اندازه شرکت تنها در الگوی محافظه کاری غیرمشروط مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین، امکان اظهارنظر صریح در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش وجود رابطه ی معنادار میان اندازه شرکت و میزان محافظه کاری وجود ندارد و رابطه معناداری میان هزینه سرمایه با هر نوع محافظه کاری مشاهده نشد.

۳- روش شناسی پژوهش

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۱ که تعداد آن‌ها ۱۰۰۰ سال شرکت مشاهده می باشد. از میان جامعه آماری فوق تعداد ۱۰۰ شرکت به روش تصادفی ساده از ۶ صنعت مختلف بشرح جدول شماره ۱ انتخاب گردید.

جدول شماره ۱- صنایع مورد مطالعه

تعداد مشاهده	تعداد شرکت	نام صنعت
۱۱۰	۱۱	انواع فراورده غذایی و آشامیدنی
۲۱۰	۲۱	خودرو و ساخت قطعات
۲۲۰	۲۲	سایر محصولات کانی غیر فلزی
۱۱۰	۱۱	فلزات اساسی
۹۰	۹	ماشین آلات و تجهیزات
۲۶۰	۲۶	مواد و محصولات شیمیایی
۱۰۰۰	۱۰۰	جمع

برای جمع آوری داده‌ها در زمینه‌های چارچوب نظری تحقیق و پیشینه آن از کتاب‌های لاتین و فارسی، پایان نامه‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است. داده‌های آماری تحقیق از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ به روش کتابخانه‌ای بدست آمده است. صورت‌های مالی شرکت‌های فوق از پایگاه اطلاعاتی

متغیر وابسته در این تحقیق، ارزش بازار شرکت در پایان دوره مالی است. برای همگن کردن داده ها در سطح همه شرکت ها این نسبت به جمع دارایی ها در پایان دوره تقسیم شده است.

۵- فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش می توان چنین بیان نمود که محافظه کاری غیرشرطی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تاثیر می گذارد. بنابراین فرضیه ی پژوهش به صورت زیر بیان می شود:

فرضیه اصلی: با افزایش میزان محافظه کاری غیرشرطی، مربوط بودن اطلاعات حسابداری بهبود می یابد.

مربوط بودن اطلاعات حسابداری ممکن است تحت تاثیر اندازه شرکت، زیان دهی، نسبت اهرمی، سود خالص، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و یا عوامل دیگری از این دست نیز قرار گیرد. براین اساس مدل تحقیق بشرح زیر می باشد:

$$MV = a_0 + a_1NI + a_2BV + a_3Cons + a_4Size + a_5Loss + a_6Lev + a_7Size * NI + a_8Loss * NI + a_9Lev * NI + \epsilon$$

که در آن :

NI : سود خالص، BV : ارزش دفتری، Cons : محافظه کاری غیرشرطی، Size : اندازه، Loss : زیان دوره
Lev : نسبت بدهی

۶- یافته های پژوهش

داده های بدست آمده از صورتهای مالی شرکت های نمونه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۱ در مورد متغیرهای وابسته و مستقل با توجه به ماهیت مقطعی - زمانی داده های متغیرهای تحقیق از طریق تحلیل پانلی با استفاده از نرم افزار SPSS شماره ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. همچنین جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در هر سال از تحلیل همبستگی استفاده شده است.

آماره های توصیفی تحقیق

در این بخش و قبل از انجام آزمون فرضیه آماره های توصیفی تحقیق به شرح جدول شماره ۲ ارائه می شود.

تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه کاری کاهش می یابد و بر عکس، از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه کاری اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می شود (Givoly and Hyan, 2000). دلیل انتخاب مدل بالا برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری به قرار زیر است:

الف) مدل های موجود برای اندازه گیری محافظه کاری از جمله مدل باسو و مدل پنمن و ژانگ که در برخی از پژوهش های داخلی نیز از آن ها استفاده شده، در اندازه گیری محافظه کاری با خطای زیادی مواجه هستند (Givoly et al., 2007).

ب) اطلاعات مدل مورد استفاده این پژوهش، مبتنی بر اطلاعات حسابداری است و در آن از شاخص های بازار استفاده نمی شود. با توجه به دسترسی به اطلاعات صورتهای مالی، برای اندازه گیری محافظه کاری نهفته در صورتهای مالی، این مدل نسبت به سایر مدل ها برای بازارهای در حال توسعه نظیر بازار سرمایه ایران، مناسب تر است (Givoly et al., 2007).

اندازه شرکت: متغیری است که اندازه و بزرگی شرکت را نشان می دهد. این متغیر بر اساس جمع دارایی های هر شرکت در هر سال اندازه گیری می شود. ابتدا میانه جمع دارایی های همه شرکت های نمونه آماری تحقیق محاسبه شد. اگر شرکتی جمع دارایی های آن بزرگ تر از میانه باشد آن شرکت به عنوان شرکت بزرگ در نظر گرفته می شود و با عدد ۱ نشان داده می شود و اگر شرکتی جمع دارایی های آن کوچک تر از میانه باشد آن شرکت به عنوان شرکت کوچک در نظر گرفته می شود و با صفر نشان داده می شود. این متغیر به عنوان یک متغیر تعدیل کننده در نظر گرفته شده و بنابراین با مقدار یک و صفر نشان داده می شود.

نسبت بدهی: عبارت است از نسبت بدهی به جمع دارایی ها. ابتدا میانه نسبت بدهی همه شرکت های نمونه آماری تحقیق محاسبه می شود. اگر شرکتی نسبت بدهی آن بزرگ تر از میانه باشد، عدد ۱ به آن شرکت اختصاص داده می شود و اگر در شرکتی این نسبت کوچک تر از میانه باشد مقدار صفر به آن شرکت اختصاص داده می شود. این متغیر به عنوان یک متغیر تعدیل کننده در نظر گرفته شده و بنابراین با مقدار یک و صفر نشان داده می شود.

گزارش زیان: یک متغیر مصنوعی است که با مقادیر یک و صفر نشان داده می شود. اگر شرکتی زیان گزارش کرده باشد مقدار آن یک و در غیر آن صورت با مقدار صفر نشان داده می شود.

جدول شماره ۲- آماره های توصیفی تحقیق

حد اکثر	حداقل	انحراف معیار	میانه	میانگین	تعداد مشاهده	شرح
۰/۳۷۳۳	-۰/۶۲۳۱	۰/۱۲۳۶	۰/۰۶۴۹	۰/۰۷۷۵	۱۰۰۰	محافظه کاری
۱۱/۱۲۵۲	-۰/۰۳۳۹	۱/۱۹۸۵	۰/۶۱۲۵	۰/۱۲۰۶	۱۰۰۰	نسبت ارزش بازار شرکت
۰/۷۸۹۴	-۰/۳۲۶۴	۰/۱۳۵۲	۰/۱۱۸۶	۰/۱۴۲۹	۱۰۰۰	سودخالص
۰/۸۱۲۳	-۰/۷۳۴۱	۰/۱۶۵۲	۰/۳۳۹	۰/۳۸۷۹	۱۰۰۰	ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
۱/۷۲۶۱	-۰/۲۱۳۱	۰/۱۶۲۳	۰/۳۸۹۶	۰/۷۲۵۲	۱۰۰۰	نسبت بدهی
۳۳۲۱۶۳۳۵۱	۲۲۳۶۴	۱۲۴۲۶۵۸۴/۷	۳۳۲۶۸۳/۷	۲۱۶۲۳۸۳/۷	۱۰۰۰	جمع دارایی ها (میلیون ریال)

سال	تعداد شرکت هایی که زیان گزارش کرده اند	تعداد شرکت هایی که زیان گزارش نکرده اند
۱۳۸۰	۲	۹۷
۱۳۸۱	۱	۱۰۰
۱۳۸۲	۴	۹۶
۱۳۸۳	۴	۹۶
۱۳۸۴	۲	۹۸
۱۳۸۵	۳	۹۷
۱۳۸۶	۵	۹۵
۱۳۸۷	۹	۹۱
۱۳۸۸	۱۴	۸۶
۱۳۸۹	۱۶	۸۴
۱۳۹۰	۲۰	۹۵
۱۳۹۱	۲۵	۱۰۹
جمع	۱۰۶	۱۱۴۴

آزمون فرضیه

فرضیه تحقیق به صورت زیر بیان می شود:

$H_0 =$ با افزایش میزان محافظه کاری غیرشرطی، مربوط بودن

اطلاعات حسابداری افزایش نمی یابد.

$H_1 =$ با افزایش میزان محافظه کاری غیرشرطی، مربوط بودن

اطلاعات حسابداری افزایش می یابد.

بر اساس مدل بالا، ابتدا تجزیه و تحلیل رگرسیون مقطعی برای

هرسال با شاخص محافظه کاری محاسبه و نتایج آن در جدول

شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: آزمون مربوط بودن ارزش با محافظه کاری

سال	R^2 تعدیل شده (درصد)	آماره F	Sig	دوربین-واتسون
۱۳۸۰	۷۵/۵	۱۷/۱۱۷	۰/۰۰۰	
۱۳۸۱	۷۱/۴	۲۰/۴۸۱	۰/۰۰۰	۱/۳۰۵
۱۳۸۲	۶۹/۸	۱۶/۱۰۲۴	۰/۰۰۰	۱/۶۲۱
۱۳۸۳	۶۵/۲	۱۴/۸۴۱	۰/۰۰۰	۱/۹۳۱
۱۳۸۴	۵۹/۵	۱۲/۹۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۴۶
۱۳۸۵	۷۹/۲	۲۷/۹۹۰	۰/۰۰۰	۱/۵۶۴
۱۳۸۶	۶۵	۱۷/۱۴۶	۰/۰۰۰	۱/۹۹۰
۱۳۸۷	۷۹/۸	۲۹/۹۳۷	۰/۰۰۰	۱/۵۲۱
۱۳۸۸	۷۶/۸	۲۶/۱۹۲	۰/۰۰۰	۱/۸۲۰
۱۳۸۹	۶۹/۱	۱۸/۶۹۰	۰/۰۰۰	۱/۲۵۱
۱۳۹۰	۷۶/۳	۱۷/۷۲۰	۰/۰۰۰	۱/۲۶۹
۱۳۹۱	۷۴/۱	۱۹/۷۲۰	۰/۰۰۰	۱/۳۹۰

نشان داده‌ایم. نتایج موید این است که محافظه‌کاری طی دوره زمانی تحقیق در حال افزایش می‌یابد. بنابراین از آنجایی که محافظه‌کاری غیرشرطی ناشی از رعایت استانداردها و مقررات حسابداری می‌باشد لذا از یکطرف باعث حمایت از حقوق ذینفعان و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و از طرف دیگر موجب افزایش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری می‌گردد، در نتیجه نقش سودمندی اطلاعات حسابداری و محتوای اطلاعاتی آن افزایش خواهد یافت و این موضوع تأثیرش را در ارزش بازار سهام خواهد گذاشت و بدین‌طریق مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران موثر واقع می‌شود.

در این جدول سطح معنی دار همه متغیرهای مستقل برابر با صفر و کوچکتر از پنج درصد است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان اظهار داشت که همه متغیرهای مستقل بر ارزش بازار تأثیر گذار است. همچنین، نزدیک بودن آماره دوربین - واتسون (DW) نیز بیانگر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرهای پیش بین می‌باشد.

سپس تجزیه و تحلیل رگرسیون مقطعی سال به سال بدون شاخص محافظه‌کاری نیز محاسبه و نتایج آن در جدول شماره ۴ گزارش شده است. آنگاه برای بررسی و محاسبه محافظه‌کاری بر ارزش بازار، R^2 تعدیل شده هر سال از جداول شماره ۳ و ۴ استخراج و تفاضل آن‌ها را در جدول شماره ۵

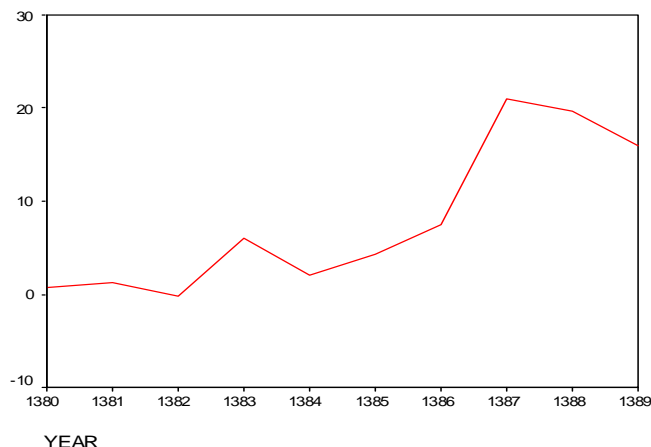
جدول شماره ۴: آزمون مربوط بودن ارزش بدون محافظه‌کاری

سال	R^2 تعدیل شده	آماره F	Sig	دوربین-واتسون
۱۳۸۰	۶۳/۹	۸۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	
۱۳۸۱	۶۴/۳	۸۳/۲۰۲	۰/۰۰۰	۱/۴۵۶
۱۳۸۲	۶۳	۸۱/۸۴۷	۰/۰۰۰	۱/۵۶۹
۱۳۸۳	۵۶/۴	۵۴/۹۶۴	۰/۰۰۰	۱/۷۰۰
۱۳۸۴	۵۷/۵	۵۵/۶۹۹	۰/۰۰۰	۱/۸۲۶
۱۳۸۵	۶۹/۹	۱۱۰/۵۰	۰/۰۰۰	۱/۴۸۹
۱۳۸۶	۵۴/۵	۶۰/۳۹۳	۰/۰۰۰	۱/۸۲۰
۱۳۸۷	۵۷/۵	۵۷/۰۵۸	۰/۰۰۰	۱/۵۱۶
۱۳۸۸	۵۴/۱	۵۴/۷۷۲	۰/۰۰۰	۱/۸۳۹
۱۳۸۹	۵۳/۱	۵۳/۱۲۴	۰/۰۰۰	۱/۷۲۱
۱۳۹۰	۶۱/۲	۵۳/۴۵۶	۰/۰۰۰	۱/۶۲۵
۱۳۹۱	۶۷/۳	۵۲/۳۱۲	۰/۰۰۰	۱/۶۲۱

جدول شماره ۵: مقایسه مربوط بودن ارزش با محافظه‌کاری و بدون محافظه‌کاری

سال	مربوط بودن ارزش بدون افزودن محافظه‌کاری	مربوط بودن ارزش با افزودن محافظه‌کاری	تفاوت
۱۳۸۰	۶۳/۹	۷۵/۵	۱۱/۶
۱۳۸۱	۶۴/۳	۷۱/۴	۷/۱
۱۳۸۲	۶۳	۶۹/۸	۶/۸
۱۳۸۳	۵۶/۴	۶۵/۲	۸/۸
۱۳۸۴	۵۷/۵	۵۹/۵	۲
۱۳۸۵	۶۹/۹	۷۹/۲	۹/۳
۱۳۸۶	۵۴/۵	۶۵	۱۰/۵
۱۳۸۷	۵۷/۵	۷۹/۸	۲۲/۳
۱۳۸۸	۵۴/۱	۷۶/۸	۲۲/۷
۱۳۸۹	۵۳/۱	۶۹/۱	۱۶
۱۳۹۰	۶۱/۲	۷۶/۳	۱۵/۱
۱۳۹۱	۶۷/۳	۷۴/۱	۶/۸

همچنین نمایشگرهای شماره ۱ و ۲ نشان می دهند که مربوط بودن ارزش محافظه کاری و محافظه کاری در حال افزایش می باشد.



نمایشگر شماره ۱: روند افزایشی مربوط بودن ارزش



نمایشگر شماره ۲: روند افزایشی محافظه کاری

اطلاعات حسابداری شده است. این موضوع می تواند به دلایل مختلفی مانند کارا نبودن بازار سرمایه ایران و نوسان در اخبار اقتصادی، رفتار فرصت طلبانه مدیریت سود و تاکید بیشتر حسابرسان مبنی بر رعایت استانداردهای حسابداری مربوط باشد. همچنین محافظه کاری غیرشرطی بدون توجه به اخبار خوب و بد و بر اساس استانداردهای حسابداری موجب می گردد تا قابلیت اتکا اطلاعات حسابداری افزایش یابد. در نتیجه مربوط بودن اطلاعات افزایش می یابد که یافته های تحقیق این موضوع را تایید می کند. این موضوع ممکن است بواسطه استفاده از استانداردهای حسابداری ایران باشد که برگرفته از استانداردهای بین المللی است و تقریباً در اکثر کشورهای

۶- نتیجه گیری و بحث

محافظه کاری یکی از زیر ویژگی های کیفی گزارشگری مالی است که در دهه های اخیر مورد توجه محققین حسابداری قرار گرفته است. علیرغم انتقاداتی که به آن وارد شده است ولی همچنان جایگاه خود را به عنوان یک میثاق حسابداری برای کاهش مدیریت سود، کاهش هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی در گزارشگری مالی حفظ نموده است. در این مقاله اثر محافظه کاری غیرشرطی بر مربوط بودن ارزش بازار بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد محافظه کاری طی دوره تحقیق افزایش یافته است و افزایش محافظه کاری موجب افزایش مربوط بودن

- جهان تدوین و پذیرفته شده اند. ضمناً یافته های پژوهش، نتایج تحقیق بروان و همکاران (۲۰۰۶) را تایید و با نتایج تحقیق بالاچاندرا و موهانرام (۲۰۱۱) مغایر می باشد.
- بر اساس نتایج پژوهش مدیران بهتر است، برای کاهش مدیریت سود و افزایش کیفیت اطلاعات مالی در مواقع لزوم به جای محافظه کاری شرطی که متأثر از اخبار خوب و بد می باشد و ممکن است درجه قابلیت اتکا آنها ضعیف یا اثبات قابلیت اتکا آنها هزینه بر باشد از محافظه کاری غیرشرطی استفاده نمایند زیرا بدلیل بکارگیری استانداردها ضریب قابلیت اتکا و مربوط بالاتری دارد. همچنین تحلیلگران و سرمایه گذاران باید این موضوع را در نظر داشته باشند که اعمال میزان بیشتری از محافظه کاری غیرشرطی در واحدهای تجاری به هزینه سرمایه کمتر و ارزش بیشتر حقوق صاحبان سهام منجر می شود.
- فهرست منابع**
- * بنی مهد و افروزی (۱۳۸۹)، "محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری" پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دوم، شماره ۸، صص ۴۷-۷۶.
- * پورحیدری امید، غفارلو عباس (۱۳۹۱)، "اثر محافظه کاری مشروط و غیر مشروط حسابداری بر هزینه حقوق مالکانه" فصل نامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۴۹-۶۷.
- * *خدماتی پور و محرومی (۱۳۹۰)* "مالیات و محافظه کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری" مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۲۷.
- * رهنمای رودپشتی، فریدون و اله کرم صالحی (۱۳۹۳)، مکاتب و تئوری های مالی و حسابداری، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز
- * ستایش محمد حسین، کریمی پور محمد (۱۳۹۲)، "بررسی تاثیر محافظه کاری مشروط و غیر مشروط بر ریسک درماندگی مالی شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران" فصل نامه بورس اوراق بهادار، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۵-۳۹.
- * کردستانی غلامرضا و محمد ایرانشاهی (۱۳۹۱)، "تاثیر محافظه کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام" دانش حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۳۳-۱۸.
- * مشایخی و شهبازی (۱۳۹۳)، "بررسی رابطه نسبت بدهی، اندازه و هزینه سرمایه شرکت با محافظه کاری مشروط و غیر مشروط" مجله دانش حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۵۴-۳۳.
- * Ahmed, A. and Duellman, S. (2011). Evidence on the role of accounting conservatism in monitoring managers investment decisions. *Accounting and Finance*, 51(3):609-633.
- * Balachandran S.V. and Mohanram P.S. (2011). Is the decline in the value relevance of accounting driven by increased conservatism?. *Review of Accounting Studies*, 16(2): 272-302.
- * Ball R., Kothari S. P. and Robin A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 29(1): 1-51.
- * Ball, R., Robin, A., & Sadka, G. (2008). Is financial reporting shaped by equity markets or by debt markets? An international study of timeliness and conservatism. *Review of Accounting Studies*, 13(2/3), 168-205.
- * Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 83-128.
- * Basu S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24(1): 3-37.
- * Basu, S. (2005). Discussion of Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modelling. *Review of Accounting Studies*, 10(2/3), 311-321.
- * Beaver W.H. and Ryan S.G. (2005). Conditional and unconditional conservatism: concepts and modeling. *Review of Accounting Studies*, 10(2/3): 269-309.
- * Brown et al(1999). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. *International Review of Financial Analysis*; 88-102.
- * Bovrsye, H.W. (2014). The impact of conservatism on the cost of debt: Conditional versus unconditional conservatism. Working Paper, Vlerick Leuven Gent Management School.
- * Brown .W, and Ross .Watts. and Robert .M.(2006) The Relevance of the Value Relevance Literature for Financial Accounting Standard Setting. *Journal of Accounting and Economics*; 31(1 -3): 3-76.
- * Cano-Rodríguez M. (2010). Big auditors, private firms and accounting conservatism: Spanish evidence. *European Accounting Review*, 19(1): 131-159.
- * Chan Ann L.C. , Lin Stephen W.J. and Strong Norman(2009). Accounting conservatism and the cost of equity capital: UK evidence , *Managerial Finance* , 35 (4): 21.
- * Chandra U., Wasley C.E. and Waymire G.B. (2004). Income conservatism in the U.S. Technology Sector, The Bradley Policy Research Center. Financial Research and Policy Working paper No. 04-01, University of Rochester.

- * Pope P.E. and Walker M. (2003). Ex-ante and ex-post accounting conservatism, asset recognition and asymmetric earnings timeliness. Working paper, Lancaster University/University of Manchester.
- * Qiang, X. (2007), "The Effects of Contracting, Litigation, Regulation, and Tax Costs on Conditional and Unconditional Conservatism: Cross-Sectional Evidence at the Firm Level", *Accounting Review* 82, 759-796.
- * Richardson G. and Tinaikar S. (2004) Accounting based valuation models: What have we learned?, *Accounting and Finance*, 44(2): 223-255.
- * Watts R.L.(2014). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*; 17 (3): 207-221
- * Cheng A. and Liu C. (2006). The value relevance of earnings for conservative and nonconservative firms. working paper, University of Houston, Houston, TX.
- * Collins D., Maydew E. and Weiss I. (1997). Changes in the Value Relevance of Earnings and Book Values Over the Past 40 Years. *Journal of Accounting and Economics* 24: 39-68.
- * Coppens, L., & Peek, E. (2005). An analysis of earnings management by european private firms. *Journal of International Accounting Auditing and Taxation*, 14(1), 1-17.
- * Core J., Guay W. and Van Buskirk A. (2003). Market Valuations in the New Economy: An Investigation of What has Changed. *Journal of Accounting and Economics* 34: 43-67.
- * Filip Andrei and Raffournier Bernard (2010). The value relevance of earnings in a transition economy: The case of Romania. *The International Journal of Accounting* , 45: 77-103.
- * Foniz, D.M (2013); Competative structure and conditional accounting conservatism, Ph.D Dissertation, University of Iowa.
- * Francis J. and Schipper K. (1999). Have financial statements lost their relevance?. *Journal of Accounting Research*, 37: 319-52.
- * Gary C.B., Gim S.S. and Andrew F.S. (1995). Relative versus Incremental Information Content. *Contemporary Accounting Research*, 12(1-1): 1-23.
- * Givoly D. and Hayn C. (2000). The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?. *Journal of Accounting and Economics*, 22: 287-32030.
- * Givoly, D., Hayn, C. & Natarajan,A. (2007). Measuring reporting conservatism. *The Accounting Review* 82(1):65-106.
- * Hung M. (2001). Accounting standards and value relevance of financial statements: An international analysis. *Journal of Accounting and Economics*, 30: 401-420.
- * Iatridis George Emmanuel(2011), Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism, *International Review of Financial Analysis* 20 : 88-102
- * Ismail Tariq H. and Elbolok Rash M. (2011). Do Conditional and Unconditional Conservatism Impact Earnings Quality and Stock Prices in Egypt?. *Research Journal of Finance and Accounting* , 2(12).
- * Jiraporn, P., Miller, G., Yoon, S., & Kim, Y. (2008). Is earnings management opportunistic or beneficial? An agency theory perspective. *International Review of Financial Analysis*, 17(3), 622-634.
- * Kousenidis D.V , Ladas A.C and Negakis C.I. (2009). Value Relevance of Conservative and Non-Conservative Accounting Information: Evidence from Greece. *The International Journal of Accounting*, 44: 219-238.
- * Lara J.M.G., Osma B.G. and Penalva F. (2009). The economic determinants of conditional conservatism. On line, <http://ssrn.com/abstract=1303525>.
- * Lev and Zarowin (1999). Industry product market competition and managerial incentives. *Journal of Accounting and Economics*; 43: 275-297

یادداشتها

¹. Francis and Schipper

². Collins

³. Lev and Zarowin

⁴. Brown

⁵. Core

⁶. Conditional Conservatism

⁷. Unconditional Conservatism

⁸. Ex Post Conservatism

⁹. News-dependent Conservatism

¹⁰. Ex Ante Conservatism

¹¹. News-independent Conservatism

¹². Kousenidis

¹³. Balachandran and Mohanram

¹⁴. Cheng and Liu

¹⁵. Chan

¹⁶. Ismail and Elbolok

¹⁷. Lara

¹⁸. Foniz

¹⁹. Watts

²⁰. Bovrsye